



# ابعاد بحران در مصر

علی اشرافی



با هجوم نیروهای امنیتی برای تخلیه شهرک نصر و مسجد رابعه العدویه مواجه شدند. اطلاعات موجود برای دآوری قطعی در خصوص چگونگی حمله کافی نیست، اما شدت خشونت ارتش و فاجعه انسانی که رخ داد قابل قبول نیست حتی اگر جمعی از هواداران اخوان به ساختمان‌های دولتی و پلیس حمله کرده باشند.

بنا به ادعای شاهدان، کسانی که بیشترین خشونت‌ها را انجام می‌دهند لباس شخصی‌ها هستند. حال معلوم نیست لباس شخصی‌ها را خود نیروهای امنیتی سازماندهی کردند یا آنها بخشی از نیروهای سیاسی مخالف اخوان هستند. بخشی از اسلام‌گراها نیز که اسلحه دارند با لباس شخصی ظاهر می‌شوند. دسته دیگر لباس شخصی‌ها، بزه‌کاران و خلاف‌کارها هستند که از فرصت بدست آمده سوءاستفاده کرده‌وبه سرقت بانک‌ها و اماکن عمومی مشغول هستند.

درگیری‌های خونین روز جمعه، چهارمین فاجعه انسانی است که تاکنون بعد از برکناری محمد

متماایل شوند. قبل از روز 'چهارشنبه خونین' برخی از مدافعان مرسى به ترور نیروهای پلیس یا حمله به برخی از ادارات دولتی پرداخته بودند. وزارت کشور مصر مدعی است ۴۳ پلیس قبل از حمله نیروهای امنیتی کشته شدند که ۱۸ نفر آنها در شهرک نصر از محل‌های تجمع نیروهای اخوان بوده‌اند. مسئولان اخوان انتساب این حملات را به خود رد می‌کنند. راست آزمایی ادعاهای طرفین دشوار است و ممکن است هیچوقت هم معلوم نشود. اما استفاده گسترده ارتش از تک تیراندازها و همچنین شلیک گلوله با هلی کوپتر نشان می‌دهد، ارتش برای قلع و قمع و کشتار مخالفان برنامه ریزی کرده و اعمال خشونت، واگشتی نبوده است. همچنین یورش نیروهای امنیتی به صورتی غافلگیرانه رخ داد در حالی که دولت انتقالی اعلام کرده بود مهلت پایان دادن به تحصن و اعتراضات را تمدید می‌کند، ناگهان نیروهای اخوان المسلمین

آتش گشودند. بیشترین افراد در میدان رامسس کشته شدند. برآوردهای متفاوتی پیرامون کشته شده‌ها در قاهره وجود دارد. تعداد کشته شده‌ها بین ۶۰ تا ۱۷۳ نفر تخمین زده می‌شوند. شاهدان عینی می‌گویند برای نخستین بار از هلیکوپترها به سوی آنان شلیک می‌شده است. همچنین بدترین برخوردها از سوی لباس شخصی‌ها اعمال می‌شده است.

مقامات دولتی مصر، اعمال خشن و بی‌رحمانه پلیس را به دلیل خنثی‌سازی طرح خطرناک تروریستی از سوی اخوان المسلمین توجیه می‌کنند. آنها اسلام‌گراها را متهم به شروع تیراندازی به سوی نیروهای امنیتی می‌کنند و می‌گویند، پلیس برای دفاع از خود به خشونت متوسل شده است.

مقامات اخوان و پاره‌ای از شاهدان عینی این ادعا را کاملار رد می‌کنند. رهبران اخوان مدعی هستند که ارتش عمدا هواداران مرسى را تحریک می‌کند تا دست به خشونت بزنند.

بررسی تحولات و مستندات نشان می‌دهد که ادعای ارتش قابل قبول نیست. آنها تاکنون مدارک قابل قبولی ارائه نداده‌اند. البته برخی از اسلام‌گراها در مصر نیز مسلح هستند. معلوم نیست اقدامات آنها چقدر هماهنگ شده و چقدر به صورت خوددسرانه است.

به موازات این، در صحرای سینا برخی از اسلام‌گراها که گفته می‌شود زیر نظر محمد الظواهری برادر رهبر القاعده فعالیت می‌کنند، به اقدامات خشونت‌آمیزی دست زدند. بعد از برخورد خشن نیروهای امنیتی، طبیعی است برخی از نیروهای اخوان به سمت مقابله مسلحانه

در روز شنبه (۱۷ اوت) نیروهای امنیتی مصر مسجد فتح را تصرف کردند و همه متحصنین را از آنجا خارج ساختند. تحصن کنندگان، هواداران محمد مرسى، رئیس جمهوری برکنار شده بودند. درگیری یادشده در ادامه برنامه دولت انتقالی و ارتش مصر برای پایان دادن به اعتراضات و توقف خشونت آمیز حمایت‌ها برای بازگشت مرسى به ریاست جمهوری انجام شد.

مسجد فتح از پایگاه‌های اصلی هواداران اخوان المسلمین بود و نقشی محوری در سازماندهی اعتراضات داشت. این مسجد عملا به بیمارستانی صحرایی برای مداوای مجروحان و محل نگهداری موقت جسد‌ها تبدیل شده بود.

بعد از هجوم نیروهای امنیتی و کشتار وسیع مخالفان در ۱۴ اوت، اخوان المسلمین روز جمعه ۱۶ اوت خواهان بی‌اعتنایی به مقررات وضعیت فوق‌العاده دولت موقت و منع تردد شد و از مردم مصر دعوت کرد برای حفظ انقلاب به خیابان‌ها بیایند و راهپیمایی روز خشم را سازمان دهند. اخوان از مردم مصر همچنین خواست تا در این هفته هر روز به خیابان بیایند و با طرح حکومت نظامی دولت انتقالی مقابله کنند.

در نتیجه این فراخوان، درگیری شدید دیگری بین معترضان و نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف مصر رخ داد. در روز جمعه پراکندگی جغرافیایی اعتراضات بیشتر از دفعه قبل بود. علاوه بر قاهره در اسماعیلیه، اسکندریه، سوئز، دمياط، قنا و... نیز موافقان مرسى راهپیمایی کردند.

این تظاهرات نیز به خشونت کشیده شدند. نیروهای امنیتی این بار خشونت بیشتری اعمال کردند و به سوی هواداران اخوان

مرسی و تشکیل دولت عدلی منصور رخ داده است. در دو فاجعه نخست، قریب به ۱۴۵ نفر جان باختند. وزارت بهداشت مصر تعداد گشته شدگان در فاجعه سوم را ۶۴۰ نفر اعلام کرده است. اما منابع نزدیک به اخوان المسلمین

تعداد تلفات را بیش از سه هزار نفر می‌دانند.

دولت انتقالی تاکنون بیش از هزار نفر از اعضاء و هواداران اخوان المسلمین را بازداشت کرده است. امروز حازم البلاوی، نخست وزیر مصر اعلام کرد پیشنهاد اتحاد اخوان المسلمین را به وزیر امور اجتماعی این کشور داده است. این کار آخرین حلقه از اقدامات دولت انتقالی برای حذف اخوان از مشارکت سیاسی و تاثیرگذاری در روند سیاسی مصر بعد از بازداشت مرسی، توقیف اموال، دستگیری رهبران و چهره‌های شاخص اخوان و متهم کردن رئیس جمهور مخلوع به جاسوسی و فراری دادن زندانیان و دیگر رهبران اخوان از سوی قوه قضائیه است.

نیروهای امنیتی و ارتش همچنین سخت گیری بر نیروهای اسلام گرا را افزایش داده و محمد الظواهری برادر ایمن الظواهری را دستگیر کردند. حال باید پرسید که با توجه به این اتفاقات آینده مصر چه خواهد شد؟ پاسخ به این سؤال نیازمند شناسایی مسائلی است که حول و حوش رویارویی کنونی وجود دارد. این مسائل را می‌توان به شکل زیر دسته بندی کرد:

دوقطبی شدن جامعه مصر رویارویی دولت انتقالی و ارتش با اخوان المسلمین و اسلام گرایان به تضاد آشتی ناپذیر رسیده است. دولت انتقالی تصمیم گرفته است اخوان المسلمین را از عرصه سیاسی مصر حذف کند و برای اجرای این تصمیم تمام قد به صحنه آمده و محدودیتی برای اعمال خشونت قائل نیست. از نظر دولت انتقالی رویارویی کنونی جنگ علیه تروریسم است و طبیعی است دیگر جایی برای مصالحه باقی نمانده باشد.

## ابعاد بحران در مصر

از طرف دیگر اخوان المسلمین نیز انعطافی به خرج نمی‌دهد و خواهان بازگشت مرسی به قدرت است. از دید آنان ارتش کودتا کرده و دولت انتقالی نامشروع است. این فضا جمعیت مصر را دوپاره کرده است. خطر سقوط مصر به جنگ داخلی و

هرج و مرج تشدید درگیری‌ها ریسک جنگ داخلی در مصر را در پی دارد. ارتش مصمم است اخوان را وادار به سکوت و پذیرش وضع موجود سازد. از سوی دیگر تسلیم، حکم مرگ برای این نیروی قدیمی را دارد. اما با توجه به خشونت گسترده و برخوردهای خونین ارتش و پلیس مصر، نیروهای اخوان امکان اعتراض مسالمت آمیز را ندارند. این شرایط راه برای مقابله مسلحانه و یا اقدامات تروریستی مساعد می‌سازد. از سوی دیگر ناآرامی‌های کنونی، اسلام گرایان افراطی در منطقه خاورمیانه را تحریک می‌کند تا حوزه فعالیت‌های خود را به مصر

نیز گسترش دهند. اسلام گراها بخشی از مردم مصر هستند و توان سیاسی و اجتماعی آنها قابل انکار نیست. دولت عدلی منصور با حمایت ارتش در حذف و خاموش کردن این نیروها دشواری زیادی دارد. حتی اگر بتواند تجمع‌ها و راهپیمایی‌های کنونی را متوقف سازد باز این آرامش بدست آمده ناشی از فضای پلیسی خواهد بود و پایدار نخواهد ماند. در نتیجه کشمکش‌ها ادامه یافته و فضای سیاسی مصر برای سال‌ها بی‌ثبات می‌شود.

این مسئله منجر به تشدید مشکلات اقتصادی شده و فضا را برای غارت و دستبرد به اموال شخصی و عمومی مساعد می‌سازد. موازنه قوا به گونه‌ای است موفقیت ارتش در سرکوب کامل اسلام گراها زیر سؤال است. مصر به طور جدی در خطر بی‌ثباتی مستمر قرار دارد. دوری از دموکراسی و سربر آوردن اقتدار گرای عرقی

اعمال خشونت بی‌سابقه در تاریخ

مردن مصر، باعث سلب مشروعیت از دولت انتقالی شد. این حجم از کشتار را مبارک و مرسی در مواجهه با مخالفان انجام ندادند. از این رو دولت عدلی منصور دیگر شایستگی مدیریت دوره گذار در مصر را ندارد. این دولت با احیای وضعیت فوق‌العاده، فضای قبل از انقلاب مصر را احیا کرده است.

همچنین با نقض حق برگزاری تجمع مسالمت آمیز و آزادی بیان موازین حقوق بشری را زیر پا گذاشته است. این دولت با تلاش برای حذف اخوان المسلمین که در انتخابات‌های پسمبارک برنده بوده است، نشان داد که پذیرای انتخابات آزاد، تکرگرای و مشارکت همگان به عنوان شالوده‌های دموکراسی نیست.

اکنون انقلاب مصر در بحرانی‌ترین وضعیت پس از سقوط مبارک قرار گرفته است انقلاب مصر نه تنها از گذار به دموکراسی فاصله زیادی گرفته بلکه بقای آن با سربر آوردن علانمی از دوران حکمرانی مبارک دستخوش چالشی جدی است.

از سوی دیگر تداوم این کشمکش‌ها می‌تواند دموکراسی را تحت‌الشعاع امنیت قرار دهد و شدت گرفتن ناآرامی‌ها اکثریت مردم مصر را به جایی برساند که دموکراسی را برای شرایط کنونی مصر مفید به شمار نیاوردند.

تجزیه ائتلاف ضد اخوان با استعفای البرادعی و مخالفت احزاب سوسیال دموکرات و گروه ۶ آوریل با کشتار و نقض حق تجمع نیروهای اخوان المسلمین، شکافی در ائتلاف ضد اخوان پدید آمده است. البته هنوز جبهه تمرد از اقدامات ارتش حمایت می‌کند و پشتیبانی مردمی فعلا از دولت عدلی منصور بالا ارزیابی می‌شود.

برخی از ساکنان قاهره از سروصدا و مزاحمت‌های تجمع‌ها و تحصن‌ها شکایت داشتند اما شدت گرفتن خشونت‌ها شکافی در بین مخالفان مرسی پدید آورده است. برخی از آنها مخالف عملکرد ارتش در سرکوب بی‌رحمانه و راه انداختن سیاست حمام خون هستند. این شکاف تهدیدی برای بقای دولت انتقالی و السیسی است.

تشدید منازعات فرقه‌ای در هفته‌های گذشته حملات به کلیسای مسیحیان قبطی روند صعودی داشته است. برخی از طرفداران خشمگین اخوان به کلیساها، منازل و اموال تجاری مسیحیان با سلاح‌های سرد و کوکتل مولوتف حمله کرده و آسیب‌های زیادی به آنها زدند. این اقدامات خشونت‌آمیز و فرقه‌گرایانه در واکنش به حمایت رهبر مسیحیان قبطی از سقوط مرسی انجام می‌پذیرد. پیش‌بینی می‌شود هر چه فشار ارتش به نیروهای اخوان بیشتر شود، حملات آنها به مسیحیان و بخصوص آنها که حمایت امنیتی بالایی ندارند، افزایش یابد. عملکرد کسانی که به انتقام‌گیری از مسیحیان پرداخته‌اند، غیرانسانی و ضد حقوق بشری است. اما این اتفاق در عین حال از تبعات ناخواسته سخت‌گیری و نادیده گرفتن حقوق سیاسی اسلام‌گرایان است. در واقع از زاویه‌ای، مسیحیان مصری نیز قربانی تصمیمات شتابزده و نابخردانه دولت انتقالی مصر هستند.

بحران خارجی حاکمان کنونی مصر با انتقادات و اعتراضات گسترده بین‌المللی مواجه شده‌اند. دولت اوپاما مانور مشترک نظامی با مصر را به تحلیل در آورد. همچنین محموله جدید هلی‌کوپترهای آپاچی و دیگر تجهیزات نظامی مقرر به ارتش مصر تحویل داده نمی‌شود. فضای کنگره تندتر است و اوپاما را در آن، به دلیل برخورد ضعیف و ناتوانی در نمایش قدرت و نفوذ آمریکا در خاورمیانه نکوهش کردند. طرحی در کنگره آمریکا ارائه شده که کمک ۱.۶ میلیارد دلاری به ارتش مصر تا پذیرش قواعد دموکراسی از سوی نظامیان، متوقف شود.

اتحادیه اروپا نیز در حال بررسی قطع کمک‌ها به مصر است. در منطقه، ترکیه تندترین موضع را دارد و پیگیر طرح پرونده مصر در شورای امنیت سازمان ملل است. تنها عربستان از دولت انتقالی مصر حمایت می‌کند. البته فشار اسد نیز از سقوط مرسی خوشحال است که دیگر دولت مصر از جنبش

اعتراضی سوریه حمایت نمی‌کند. اسرائیل نیز از ضعیف شدن حماس خوشنود است اما در عین حال از ناامن شدن صحرای سینا نگران است.

این وضعیت برای دولت عدلی منصور مشکل زاست. اقتصاد مصر وضعیت وخیمی دارد. قطع کمک‌های خارجی و کاهش درآمدهای توریستی آنقدر تبعات سنگینی دارد که می‌تواند دولت را زمین‌گیر کند. البته تاکنون دولت انتقالی به خارجی‌ها هشدار داده است که در امور داخلی مصر

دخالت نکنند و به نوعی وانمود می‌کند که تحت تاثیر فشارهای خارجی قرار نخواهد گرفت. توجه به مولفه‌های فوق وضعیت وخیم مصر را روشن می‌سازد. بعید به نظر می‌رسد که نیروی فائقه‌ای بتواند فضا را در کنترل خود بگیرد. رویارویی دولت انتقالی با حمایت ارتش و نیروهای امنیتی با اخوان المسلمین و اسلام‌گراها دنباله‌دار خواهد شد. این رویارویی در کوتاه مدت متوقف نخواهد شد. در نتیجه مصر تا مدت زمان تا معلومی با بی‌ثباتی همراه خواهد بود. در این میان وابستگی اقتصاد

مصر به سرمایه‌های خارجی شاید بتواند به مثابه عاملی بازدارنده در برابر گسترش تنش‌ها عمل کند. اما آرایش نیروها و سیر تحولات امکان مصالحه بین دو قطب درگیر و هدایت عرصه سیاسی به شکل‌گیری پایه‌های دمکراسی را نامحتمل ساخته است. از سوی دیگر تشدید درگیری اساساً ملت مصر را در آستانه تجزیه قرار داده است. رفتار تنفرآمیز طرفین و برخورد‌های سنگین به نوعی است که گویا دو قطب منازعه بخش‌هایی از یک ملت نیستند. روند تحول

رویارویی‌ها نیز امکان ارائه راه حل بینابینی را سخت ساخته است. در عین حال علی‌رغم اینکه مصر در وضعیت نگران‌کننده‌ای است اما هنوز پرونده انقلاب در این کشور کهنسال بسته نشده است. امیدهایی نه‌چندان زیاد وجود دارد که ارتش همانند پیش از انتخابات ریاست جمهوری عقب‌نشینی کند. روزهای آینده نشان می‌دهد مصر چه مسیری را می‌پیماید. البته پیش‌نیاز هر مصالحه‌ای، کنار رفتن دولت انتقالی عدلی منصور، و انتخاب دولتی جدید برای مدیریت دوره انتقالی است.